



دکتر عبدالرحیم بادامچی زاده

(فروردین ۱۳۹۷ - اردیبهشت ۱۳۴۳)

محمد جلوداری ممقانی *

دکتر احمد شاه‌رکنی انسانی نازنین، وارسته و اقتصاددانی فهیم، که وقتی دکتر عظیمی، دکتر پژویان و من در منزل به ملاقاتش رفته بودیم سرشار از امید برای ادامه زندگی بود اما هفته‌ای طول نکشید که جان به جان آفرین تسلیم کرد. دکتر سید علی میریان عضو گروه آمار تابستان ده سال پیش چهره در نقاب خاک کشید و دکتر بهمنی نیز جان نازنین را در سال ۱۳۹۲ در سید اخلاص نهاد و به دیار باقی شتافت. هر کسی چند روزه نوبت اوست

درگذشت دکتر بادامچی زاده تذکری، تلنگری، خطاری، تحکمی است به ما، که بخود آییم و مهربانی پیشه کنیم، در کارهای خرد و کلان صداقت داشته باشیم، منافع کوتاه‌مدت خود را وسیله اختلاف و نفاق بین خودمان قرار ندهیم، بگذاریم و بگذریم، نسبت به آدم‌های اطراف خود با ادب و محترمانه رفتار کنیم. منصف باشیم، و ...

اگر غم را چو آتش دود بودی جهان تاریک ماندی جاودانه
درین گیتی سراسر گر بگردی خردمندی نیایی شادمانه
شهید بلخی (متوفی ۳۲۵ قمری)

تقدیم به نرگس بادامچی زاده تنها فرزند دکتر بادامچی زاده



دانشکده اقتصاد در طول عمر نه چندان طولانی خود ضایعه‌های بسیاری از این دست را شاهد بوده است. مرحوم دکتر حمید مصدق که با شعر «آبی خاکستر سیاه»، شوری در جوانان زمان خود ایجاد کرده بود با شعری با عنوان «از ما به مهربانی یاد آرید» از همین دانشکده تشییع شد. قطعه انتهایی شعر از این قرار است:

گر ابرهای تیره سفر کردند
و نور روشن فردا را دیدید
از ما به مهربانی یاد آرید
از ما که در تمام شب عمر
در جستجوی نور سحر پرسه می‌زدیم
در خاطر، آرزوی ما را بسپارید
از ما به مهربانی یاد آرید!

خودش هم به این نتیجه رسیده بود.

در ۱۳۸۲ وارد دوره دکتری آمار دانشگاه فردوسی مشهد شد. از هر طرف شانس آورده بود. عاشق امام رضا بود و طلبیده بودش. استادان خوبی مانند دکتر شاهکار و دکتر ارقامی گیرش آمده بودند. دو یا سه سال از این دوره نگذشته بود که نرگس تنها فرزندش دنیا آمده بود. سال ۱۳۸۷ در «نظریه صف» دکتری گرفت. استاد راهنما مرحوم دکتر شاهکار و یکی از مشاورین مرحوم دکتر ارقامی. یادآور می‌شوم که نظریه صف بخشی از دانش ریاضی است که به مدل سازی و مطالعه صف‌ها می‌پردازد و در نتیجه زمان انتظار و طول صف را پیش بینی می‌کند. در دانشگاه هم، گروه آمار توسعه یافته بود (دوره دکتری آمار و رشته ریاضیات مالی راه اندازی شده بودند) و تقریباً همه می‌توانستند در زمینه موردنظر خود فعالیت کنند. تقریباً تمام فعالیت‌های علمی آقای دکتر بادامچی زاده به این دوره تعلق دارد. پیشنهاد کردم برای رشته ریاضیات مالی کتاب میرچیا را ترجمه کنیم، قبول کرد و تقریباً تمام مراحل فنی تولید متن را با «تک شریف» با استفاده از کمک‌های دانشجویان علاقه‌مند پیش برد. البته با پرداخت هزینه، و برای چاپ سپردیم به دانشگاه، چاپ شد و طبق معمول در چاپ اول متوقف ماند.



در همین دوره بود که از طریق انجمن ریاضی ایران از من خواستند که در دانشگاه (مرکز) تحصیلات تکمیلی زنجان در همایش «ریاضیات صنعتی یا چیزی در این مایه‌ها» شرکت کنم. در این سفر آقای دکتر بادامچی زاده، دکتر امامی میبدی (رئیس وقت بیمه اکو) و دکتر مهدی تقوی اینجانب را همراهی کردند. روزگار خوشی بود در آنجا با دکتر عبده تبریزی دوست شدیم که این دوستی تا امروز ادامه دارد. داشتیم پایه‌های ریاضیات مالی را در دانشکده تقویت

آشنایی من با دکتر بادامچی زاده به سال ۱۳۶۸ برمی‌گردد. در دانشگاه شریف صنعتی شریف او دانشجوی ارشد ریاضی بود و من دانشجوی دکتری ریاضی بودم. جزوه بسیار خوبی از درس جبر جابجایی تهیه کرده بود. خواستم جزوه را امانت دهم و داد، دوست شدیم. بعداً فهمیدم که من دوره دوم دبیرستان و سال اول دانشگاه تبریز را در تبریز در محله زندگی آن‌ها سپری کرده بودم (میدان ورجی که فارسی شده‌اش میدان ویجویه است) و باز هم فهمیدم که ایشان هم از دبیرستان معروف فردوسی تبریز دیپلم گرفته است و نیز متوجه شدم که پدرش از مؤسسين کارخانه ماشین‌سازی تبریز بود که در تصادف جاده تبریز - تهران به دیار باقی شتافته بود.

در یکی از مسافرت‌ها من به تبریز، پائیز بود هوا وسط روز گرم و اول و آخر روز سرد بود، رفتیم آذرشهر و رسیدیم بازار گردو بعد از ساعت ۱۴، بازار اصلی بسته بود از بازار کوچکتر که نیمه باز بود قدری گردوی سبز خریدیم گذاشت تو ماشین، برگشتیم. من را در ممقان دم در خانه مادرم پیاده کرد و برگشت تبریز و پس از زیارت قبر پدرش و قدری خرید برگشت تهران. بیشتر از ۱۵ ساعت رانندگی کرده بود. شاید نخواسته بود بیشتر از این از نرگس دور باشد.

من را سال ۶۷ با حکم تحکیم‌آمیز معاون آموزشی دانشگاه از دانشگاه شهید بهشتی به دانشکده اقتصاد منتقل کردند. آقای غنیمی فرد رئیس دانشکده بود. سال ۶۹ که آقای بادامچی را در دانشکده اقتصاد دیدم مدرک فوق لیسانس ریاضی از دانشگاه شریف در رشته جبر جابجایی را در بغل داشت با استاد راهنمایی دکتر حسین ذاکری استاد دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی فعلی). گفت این جا استخدام شده‌ام. داستان را از اول تا آخر تعریف کرد. دیگر همکاری شده بودیم. فعالیت علمی دکتر بادامچی زاده در دو دوره قبل از ورود به دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان دانشجوی دکتری آمار و پس از آن قابل بررسی است. قبل از ورود به دانشگاه مشهد ایشان ضمن تدریس درس‌های سرویس ریاضی، دوره دانشوری ریاضی را در دانشگاه تربیت مدرس به پایان رساند. دانشور شده بود و نا رضا. با توجه به نیاز جامعه دانشجویی اوایل دهه ۷۰ به کتاب‌های درسی، به پیشنهاد ایشان کتاب دو جلدی «ریاضیات پیش دانشگاهی» را ترجمه و به انتشارات دانشگاه سپردیم. این کتاب عظیم که حاوی تمام مطالب ریاضیات پیش دانشگاهی است مانند بیشتر کتاب‌های چاپ دانشگاه هرگز به چاپ دوم نرسید. یا ما بلد نبودیم یا دانشگاه. ایشان با دریافت بورس از وزارت علوم برای ادامه تحصیل به روسیه اعزام شد ولی از محیط روسیه خوشش نیامد و برگشت، پیشنهاد کرده بودم که حال که در گروه آمار هستی حتما در رشته آمار ادامه تحصیل بده،

تحصیلات، رفتم از شان خداحافظی کردم و پس از بازگشت بادمچی را با همسرش، خانم سعیده تجلیل یافتیم، ازدواج کرده بودند. از تنهایی در آمده بود. شاد و خوشحال بود. دیگر دیدار من با این خانواده ایام تولد نرگس بود، رفته بودیم برای عرض تبریک قدم نو رسیده. چقدر این آدم‌ها، از این تولد خوشحال بودند و اظهار رضایت می‌کردند، بی‌نهایت.

دکتر بادمچی زاده حداقل ۱۰ سال از ۲۷ سال عضویت در گروه آمار را در مسئولیت‌های رئیس اداره آموزش، معاون دانشکده و مدیر گروه آمار سپری کرد و از این رو از مدیران با تجربه دانشکده محسوب می‌شد.

فعالیت‌های علمی ایشان در تمام زمینه‌های فعالیت یک عضو هیئت علمی گسترده شده بود. درس می‌داد، مدیریت می‌کرد، کتاب می‌نوشت، کتاب ترجمه می‌کرد، مقاله می‌نوشت، و مقاله داوری می‌کرد. حاصل برخی از این فعالیت‌ها از این قرار است:

تألیف کتاب

۱. بادمچی زاده عبدالرحیم، ریاضی برای آمار و علوم مهندسی، تألیف، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۱/۳/۱.

۲. بادمچی زاده عبدالرحیم، احتمال پیشرفته، ۱۳۹۴/۱۰/۱.

ترجمه کتاب

۱. توماس کوشی، جلوداری ممقانی محمد، بادمچی زاده عبدالرحیم، ریاضیات پیش دانشگاهی - دو جلد، ترجمه، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۹/۳/۳۱.

۲. میرچیا گریگوریو، جلوداری ممقانی محمد، بادمچی زاده عبدالرحیم، آنالیز تصادفی، ترجمه، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹/۷/۱.

۳. مارک آلن پینسکی و ساموئل کارلین، بادمچی زاده عبدالرحیم، مقدمه‌ای بر مدل‌بندی تصادفی، ترجمه، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵/۶/۲۵.

۴. یو. ناراایان بات، بادمچی زاده عبدالرحیم، مقدمه‌ای بر نظریه صف‌بندی، ترجمه، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، زمستان ۱۳۹۶.

می‌کردیم. در راه بازگشت گفتیم ما هم برویم در گروه آمار مشابه این همایش را برگزار کنیم. پذیرفت. پیشنهاد در گروه مطرح و تصویب شد. دیگر اولین همایش «ریاضیات و علوم انسانی» به دبیر آقای دکتر بادمچی و دبیری علمی من شکل گرفته بود. این همایش ادامه یافته و اردیبهشت امسال پنجمین همایش دوسالانه ریاضیات و علوم انسانی برگزار شد. ایشان مسئول اجرایی همایش بودند.

چیزی، اما، از دست داده بودیم، اساسی. من تجربه تحصیلی خود گروه، هندسه و اتوماتا را و او جبر جابجایی را صفر کرده بودیم. بنابراین تیشه به ریشه خودزده بودیم. ریشه را که از تنه بگیری جنگل خشک می‌شود چه رسد به نهال. دکتر بادمچی دوره فوق لیسانس را و من دوره‌های فوق لیسانس و دکترا را صفر کردیم و به تجربه‌ای نو پرداختیم. ایشان آمار و من ریاضیات مالی که هیچ جا هم ثبت و ضبط نشد. با این حال ایشان سال ۹۲ به رتبه دانشیاری ارتقاء یافت و الان اگر زنده بود می‌توانست تقاضای ارتقاء به مرتبه استادی بدهد. منظورم این است که تغییر زمینه تحقیقاتی هر چند برای گروه‌های آمار و ریاضی سودمند بود ولی هزینه‌ای برایشان و من تحمیل کرد. بی برو برگرد.



دکتر بادمچی زاده متولد اردیبهشت ۴۳ اهل تبریز بود. به استادان خود احترام می‌گذاشت و در مناسبت‌ها به دیدار آن‌ها می‌شتافت. بعد از عید چند سال پیش در روایت بازدیدهای عید از دیدارش با دکتر ذاکری گفت و چه حال خوبی داشت به هنگام تعریف این روایت. شادترین ایام اش را من هنگام تولد «نرگس» در یافتیم. با خانواده‌اش در اوایل دهه ۷۰ آشنا شدم و مادر و خواهرش را آن زمان ملاقات کردم. مادرش خانمی بسیار تیزهوش و قدرتمند و متدین بود. روزی که در تابستان ۷۳ داشتیم می‌رفتم خارج برای تکمیل

مقالات چاپ شده در نشریات بین‌المللی

7. Badamchizadeh AbdolRahim, Reneging in a batch arrival two phases queue with random feedback and Coxian-2 vacation, RAIRO Recherche Operationnelle, 2016, 2016, 2016/01/12.
8. Badamchizadeh AbdolRahim A Two Phases queue system with Bernoulli feedback and Bernoulli schedule server vacation, International Journal of Information and Management Sciences, 1387/11/01.

مقالات چاپ شده در نشریات داخلی

۱. بادامچی‌زاده عبدالرحیم، صف با دو نوع ورودی، دو نوع سرویس و تعطیلی با شیوه برنولی، علوم آماری، ۱۳۸۶/۴/۱.
۲. بادامچی‌زاده عبدالرحیم، تحلیل هزینه سود در یک سامانه صف‌بندی با k نوع سرویس نامتجانس و تعطیلی سرویس دهنده، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳۹۱/۷/۱.
۳. بادامچی‌زاده عبدالرحیم، حیدری نرگس، قیمت‌گذاری اختیارات آسیایی بر مبنای لگاریتم استاندارد شده میانگین هندسی، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۰، ۶۳، ۱۳۹۴/۷/۲۵.

و سرانجام

کاروان شهید رفت از پیش وان ما رفته گیر و می‌اندیش
از شمار دو چشم یک تن کم وز شمار خرد هزاران بیش

(رودکی قرن سوم هجری)

* دانشگاه علامه طباطبائی، متن سخنرانی در مجلس ختم

1. Badamchizadeh AbdolRahim, Shahkar G.H., A Two phase queue system with Berroulli feedback and Berroulli schedule server vacation, Information and Management, 2, 19, 2008/01/01.
2. Badamchizadeh AbdolRahim, with Optional Second Service and Admissibility Restrictred, International Journal of Information Management, 2008/12/01.
3. Badamchizadeh AbdolRahim, An $M_x/(G1, G2)/1/G/V$ with optional ... and admi Mibility, International Journal of Information Management, 1/1, 2, 2009/01/01.
4. Badamchizadeh AbdolRahim, A Batch Arrival Queue System with Coxian -2 Server Vacations and Admissibility Restrictred, American Journal of Industrial and Business Management (AJIBM), 2012/01/01.
5. Badamchizadeh AbdolRahim, A Batch Arrival tow phases queueing system with random relapse, admissibility restricted and a single vacation policy, Advanced Modeling and Optimization, 2013/01/01.
6. Badamchizadeh AbdolRahim, A batch arrival multi phase queueing system with random feedback in service and single vacation policy, Opsearch, 1, 12597, 2015/03/22.

تمدید عضویت

یادآوری می‌شود با نزدیک شدن به دوره عضویت مهر ۹۷ الی مهر ۹۸ می‌توانید عضویت خود را از طریق پرتال عضویت انجمن به نشانی <http://imsmembers.ir> تمدید نمایید.

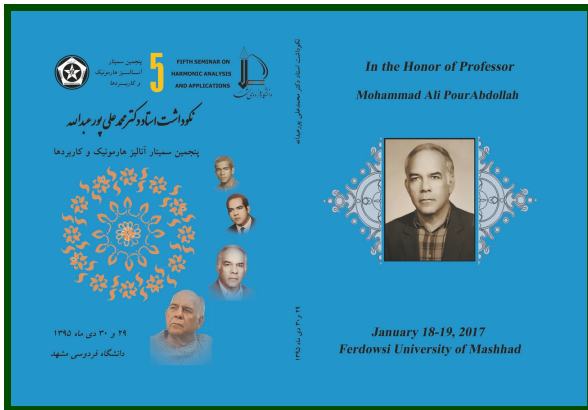
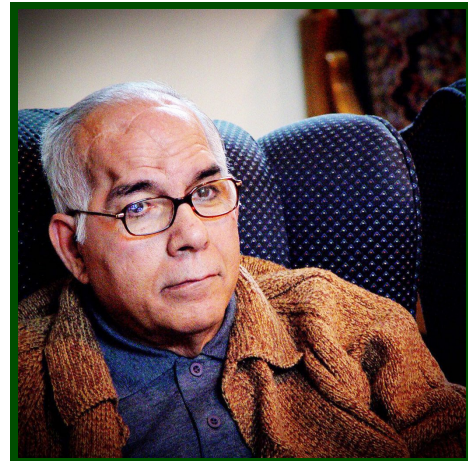
(جهت تمدید عضویت وارد پروفایل شخصی خود شوید و از منوی نارنجی رنگ بر روی «نمایش عضویت‌های حقیقی» کلیک نموده و «عضویت جدید» را انتخاب نمایید.)

خواهشمند است در صورت بروز هرگونه ابهام با دبیرخانه انجمن تماس حاصل نمایید.

یادنامه استاد فقید دکتر محمدعلی پور عبدالله نژاد

(۲۹ دی ۱۳۲۳ - ۲۶ آذر ۱۳۹۶)

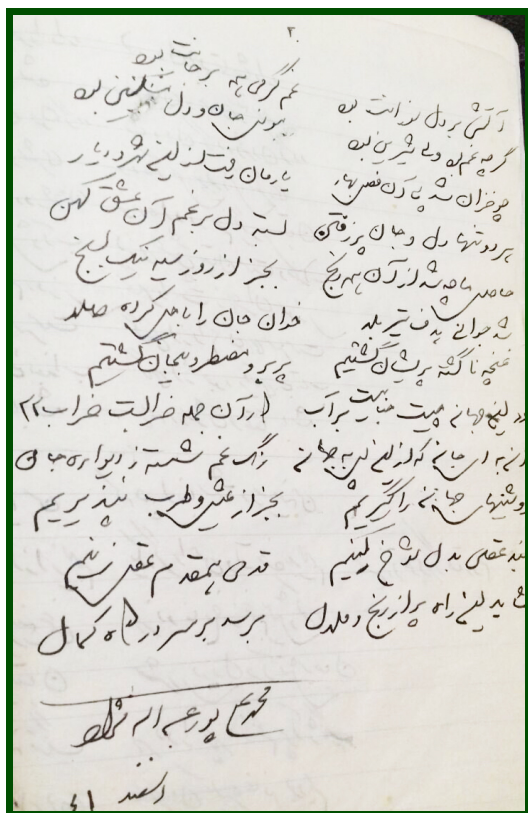
حمیدرضا ابراهیمی ویشکی*



امروز که این مطالب را می‌نویسم در آستانه نزدیک شدن به اولین سالگرد فقدان استاد فرهیخته دکتر محمدعلی پور عبدالله نژاد هستیم. استاد پس از تحمل طولانی رنج بیماری که با یک عارضه مغزی در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۰ شروع شده بود سرانجام در صبحگاه ۲۶ آذرماه ۱۳۹۶ دارفانی را وداع گفت و در روز ۲۸ آذرماه با بدرقه خانواده، جمع کثیری از دوستان، همکاران و شاگردان در آرامگاه خواجه ربیع مشهد به خاک سپرده شد. از چند ماه پیش‌تر سردبیر محترم خبرنامه آقای دکتر آربین نژاد از من خواست تا یادنامه‌ای برای استاد تهیه کنم، اما من به دلیل اینکه تاکنون به مناسبت‌های مختلف در ستایش استاد عالیقدرم نوشته بودم^۱ و نگران این بودم که نوشته من تکراری باشد، صلاح را در این دیدم که من فقط شروع کننده باشم و به اصطلاح فتح بابی کرده باشم. از این رو از طریق آقای دکتر سالمی از استاد پیشکسوت ریاضیات کشور و دوست دوران مدرسه و تحصیل استاد، آقای دکتر رجبعلی پور و همین‌طور من هم از همکار ارجمند خانم دکتر فشندی درخواست کردیم تا این مهم را به سرانجام برسانند که در ادامه خاطرات و نوشته‌های دلنشین این بزرگواران به همراه مصاحبه‌ای از استاد در سال ۱۳۷۵ که توسط همکار گرامی آقای دکتر شریفی تهیه شده است را ملاحظه خواهید فرمود.

اما آنچه باعث شد تا نوشته‌ام طولانی شود این بود که مدتی پیش با یکی دیگر از دوستان قدیمی استاد، آقای داریوش مجدزاده خاندانی که وکیل بازنشسته دادگستری است، آشنا شدم که خاطراتی خوب

^۱ حداقل دوبار به‌طور مبسوط یکی در خبرنامه شماره ۱۳۰ زمستان ۱۳۹۰ انجمن ریاضی ایران و دیگری در نکوداشت استاد، که همزمان با پنجمین سمینار آنالیز هارمونیک در ۲۹ دی‌ماه ۱۳۹۵ که به همت دانشگاه فردوسی مشهد و انجمن ریاضی ایران برگزار شد.



و شنیدنی از دوران تحصیل در دبیرستان را نقل می‌کرد که همه حکایت از هوش، ذکاوت، علاقه به یادگیری و دانش‌اندوزی استاد داشته است. از آن میان تسلط و علاقه زایدالوصف استاد به شعر و ادبیات، آن هم وقتی که دانش‌آموز بود و ۱۸ سال بیشتر نداشت، بیش از هر چیز دیگری توجه من را به خود جلب نمود. او از دفتر خاطرات خود برگه اشعار زیر را در اختیارم قرار داد که استاد در اسفندماه ۱۳۴۱ زمانی که در رشته ادبی تحصیل می‌کرد (و البته بعد از آن به رشته ریاضی روی آورد) سروده بود:

امشب این دل سر سودا دارد کار دل جمله تماشا دارد
خواهد او باردگر بسته شود از غم جان و جهان رسته شود
خواهد او چون دگران خون گردد شادمان گردد و محزون گردد
بازش افتاده به سر شور و شری زده آتش به وجودش شری
یادش آید که درین دور جهان بوده او در خم گیسوی بتان
همه در تاب و تب و آتش و آب از می عشق بتان مست و خراب
یادش افتاده که او هم روزی به جگر داشت ز هجران سوزی
گهی از نیم نگاهی سرمست گهی از داغ گناهی سرمست
گهی از سوز جفایی به عذاب گهی از جور رقیبی بی‌تاب
خواهد او همدم غم‌ها باشد همه در شوق و تمنا باشد.

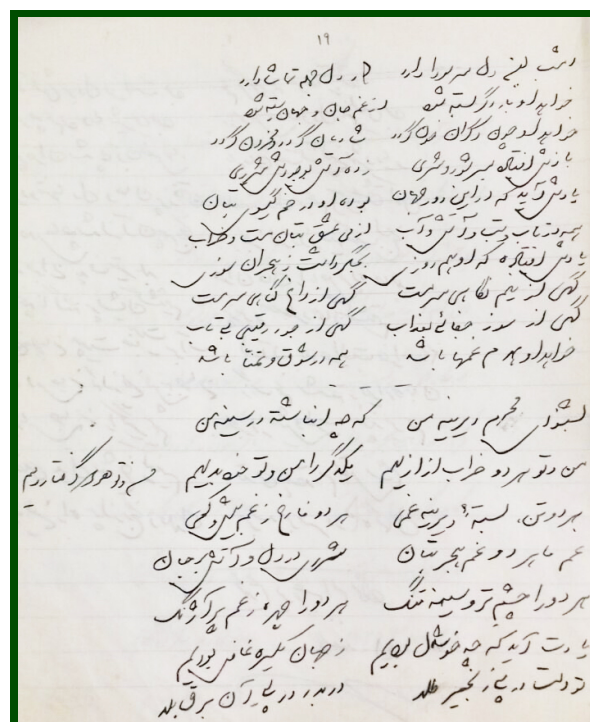
و البته ادامه این شعر را در عکس‌های زیر با دست‌خط استاد ملاحظه می‌فرمایید.

در اردیبهشت‌ماه ۹۷ به همت دانشکده علوم ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد، درخت یادبود استاد در بوستان خرد دانشگاه کاشته شد.



روحش شاد و یادش گرامی باد.

* دانشگاه فردوسی مشهد



خاطراتی از دوست فرهیخته شادروان دکتر محمدعلی پور عبدالله نژاد

مهدی رجبعلی پور*

کردن معلومات مخاطب در چنته داشت. استعدادهای او فراتر از این می‌رفت. در طبقه همکف منزلش یک کارگاه نجاری نسبتاً مجهز داشت و اگر حافظه‌ام خطا نکند می‌گفت همه کارهای چوبی خانه را خودش انجام می‌دهد. بسیار حاضر جواب بود. یک بار که در کرمان کنار باغچه منزلم با هم گرم صحبت بودیم، همسایه‌ای از لای درب حیاط، شماره اتوموبیل را پرسید. جواب دادم ۶۴۱۲۵؛ دکتر پور عبدالله فی‌البداهه ادامه داد چهار به توان ۳، پنج به توان ۳. چهره خندان من را که دید چند تا مثال دیگر هم از این نوع اضافه کرد. در عین حاضر جوابی، آرام و سلیم‌النفس بود؛ هیچ وقت نشنیدم از کسی بدگوئی کند. وقتی که خبر سگته‌اش را شنیدم تعجب کردم که چرا چنین فرد آرام و خونسردی باید دچار چنین ضایعه‌ای بشود. پس از آن که از کما (یا شبه کما) بیرون آمد، خاطرات و اسم من را به یاد می‌آورد. خاموشی که مظهر یک فرشته دلسوز بود از من می‌خواست حافظه دراز مدتش را آزمایش کنم. معمولاً در آزمایش موفق بود حتی وقتی که با تلفن از کرمان با وی تماس می‌گرفتم. این اواخر خوشحال بودیم که شعرهای بیشتری را به یاد می‌آورد و می‌خواند و به بهبودی کامل او امیدوار شده بودیم.

در سال آخر عمر دچار اختلال‌های درونی شده بود و توان جسمی‌اش رو به تحلیل می‌رفت؛ اخبار ناراحت‌کننده‌ای در کانادا به من می‌رسید. همکاران و شاگردان وی برنامه‌ای برای تجلیل از او در نظر گرفتند و از من هم خواستند که خاطراتم را برای نقل در مراسم برایشان بفرستم. هر چه سعی کردم قلمم پیش نرفت تا مراسم برگزار شد. تابستان امسال که برای سخنرانی در زنجان به ایران برگشتم تنها کاری که توانستم بکنم اهدای سخنرانی به دکتر پور عبدالله و همسر و خواهر همسر مهربانش و آرزوی شفای عاجل برای او بود. مقاله‌ای از این سخنرانی آماده کرده‌ام که عنوان شاعرانه «با کاروان حله» را دارد و به نحوی تاریخ آنالیز تابعی در ایران است و در حال ویرایش آن هستم.

هم اکنون که این چند سطر را می‌نویسم به اصرار آقایان دکتر عباس سالمی و دکتر مسعود آرین‌نژاد است؛ وانگهی خود را در کنار مزار دوست فقیدم مجسم می‌کنم که با روان پاکش در گفتگویم.

دوستی (غیرحضوری) من (رجب) و پورعبدالله (آن طور که یکدیگر را خطاب می‌کردیم) از کلاس هشتم شروع شد. مدرسه من در محله او واقع بود ولی خودش به مدرسه معتبرتر پهلوی می‌رفت. همسایگانش که همکلاس من بودند از من برای او و از او برای من تعریف می‌کردند. پورعبدالله که سطح مدرسه‌اش بالاتر بود، با مسائل ریاضی خارج از کتاب‌های درسی برخورد داشت و گهگاه برایم می‌فرستاد تا حل کنم و در ضمن امتحانی داده باشم. این رقابت نیم‌بند دو سال ادامه داشت تا روزی من هم مجبور شدم برای ادامه تحصیل در سیکل دوم دبیرستان به مدرسه پهلوی بروم و دوستی مجازی ما به یک رفاقت رودررو و بی‌پایان بدل گردد.

از تابستان ۱۳۴۱ به دلایلی از او دور شدم اما در مهر ۱۳۴۲ باردیگر خود را روی نیمکت‌های بخش ریاضی دانشگاه تهران در کنار او یافتیم. گرچه دوره لیسانس سه سال بیشتر نبود ولی خاطرات شیرین زیادی برجای گذاشت. همکلاسی‌ها به او لقب شاعر داده بودند و هر وقت خسته می‌شدیم دور هم جمع می‌شدیم و از اشعار نغز قدیم و جدید به مدد حافظه قوی، غنای ادبی، و طبع لطیف او به گوش جان می‌سپاردیم و در ماورای ریاضی سیر و سیاحت می‌کردیم. جعفریان [دکتر علی اکبر جعفریان فعلی] نیز همین کار را از روی کاغذ می‌کرد؛ به هر شعر تازه‌ای برمی‌خورد آن را به خط خوش با خودنویس یادداشت می‌کرد و هر از گاه کاغذ چهارتا شده‌ای از جیب بغل بیرون می‌آورد و ما را سرگرم می‌ساخت.

بعد از فراغت از دوره لیسانس یکدیگر را ندیدیم و تا شهریور ۱۳۵۵ که خارج از کشور بودیم خبری از هم نداشتیم. زمانی که دکتر پور عبدالله پس از گرفتن مدرک دکتری از انگلیس و استرالیا به ایران برگشت، ذوق ادبی او در انگلیسی هم چشمگیر شده بود. از ترکیب توانائی‌های ادبیات فارسی و انگلیسی او، ترجمه‌های مفیدی به جامعه علمی تحویل داده شد. کتابخانه شخصی‌اش در مشهد پر از کتاب‌های فارسی و انگلیسی بود. یک روز که در خانه‌اش گرم صحبت بودیم، تصادفاً به رویاهای حزقیال نبی در کتاب تورات کشانده شدیم؛ فوراً برخاست و از قفسه‌ای یک کتاب جیبی برایم پیدا کرد که توسط مهندسی از ناسا در این رابطه نوشته شده بود. تقریباً در هر مطلبی صاحب نظر بود و همواره چیز نوی برای اضافه

* عضو پیوسته فرهنگستان علوم

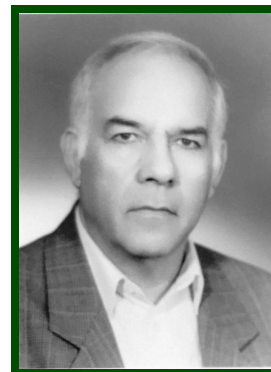
یاد یک استاد فرزانه

معصومه فشندی*

در ۲۹ دیماه ۱۳۹۵ همزمان با پنجمین سمینار آنالیز هارمونیک و کاربردها در دانشگاه فردوسی مشهد، مراسم نکوداشتی برای این استاد عالیقدر برگزار شد و کتابچه ای از خاطرات ارزشمند فرزندان، دوستان، همکاران و دانشجویان دکتر پورعبدلله تنظیم گردید. بنا به اظهارات دانشجویان و همکاران ایشان، یکی از بی شمار ویژگی برجسته استاد، رصد دقیق احوال دانشجویان کوشا بود به طوری که به محض بروز حادثه ای ناخوشایند، همچون فوت یکی از عزیزان یا بیماری، دکتر پورعبدلله به سرعت این تغییر وضعیت را متوجه و برای کمک و بهتر کردن شرایط روحی دانشجو پیشقدم می شدند.

تسلط استاد به زبان انگلیسی، معادل سازی برای واژگان ریاضی و ترجمه های شیوایش زبانزد همه کسانی است که از حضور او فیض برده اند. علاقه وافر وی به کتاب و مطالعه، باعث گردید ایشان به فراهم کردن امکانات لازم برای این امر در خانواده، و در بین دوستان و دانشجویان اهتمام ورزند و هر فرصتی را برای تهیه جدیدترین کتاب ها و مجلات ریاضی برای کتابخانه پرفسور تقی فاطمی غنیمت شمارند.

دکتر محمدعلی پورعبدلله پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد از مؤسسه ریاضیات پرفسور مصاحب در سال ۱۳۴۹ به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه فردوسی مشهد آغاز به کار کرد. وی در سال ۱۳۵۲ موفق به دریافت بورس وزارت علوم برای ادامه تحصیل در دوره دکتری گردید و به انگلستان عزیمت نمود. پس از یک سال تحصیل در دانشگاه نیوکاسل، دوره کارشناسی ارشد را به پایان رساند و دوره دکتری را تحت راهنمایی پرفسور ویلیام موران در دانشگاه لیورپول شروع و در سال ۱۳۵۶ به پایان رساند و به ایران بازگشت. رشته تخصصی استاد آنالیز هارمونیک مجرد بود که تعداد ۵ دانشجوی دکتری در این شاخه فارغ التحصیل نمود و ۳ دانشجوی دکتری آخر ایشان به دلیل بیماری استاد، با همکاری استادان دیگر گروه ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره دکتری خود را تکمیل نمودند. دکتر پورعبدلله که در سال ۱۳۷۶ به مقام استادی نائل آمد، حدود ۲۰ مقاله علمی-پژوهشی مرور شده در پایگاه استنادی انجمن ریاضی آمریکا، ۳ مقاله فارسی در مجله فرهنگ و اندیشه ریاضی و ترجمه ۴ کتاب را در کارنامه علمی خود دارد. ایشان از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰ عضو هیأت تحریریه یا ویراستار ارشد مجله فرهنگ و اندیشه ریاضی بوده و در سال های ۱۳۶۸-۱۳۶۹ و ۱۳۷۴-۱۳۷۶ مدیریت گروه ریاضی



دکتر محمدعلی پورعبدلله نژاد، استاد پیشکسوت ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد در بامداد روز ۲۶ آذرماه سال ۱۳۹۶ پس از تحمل ۱۷ سال رنج بیماری دار فانی را وداع گفت.

نام دکتر پورعبدلله بر دانشجویان و اساتید جوان شاید نامی آشنا نباشد، چرا که ایشان سال ها به علت بیماری توان تدریس و حضور در دانشگاه را نداشتند، اما خبر درگذشت ایشان احساسی دوگانه در دل شیفتگانش به جای نهاد، غمی تلخ از فراقش به همراه شادی کم رنگی از آزادی روح بزرگش از زندان دردمند آزردهای تن.



آخرین کلاس درس استاد، در ساعت ۱۶-۱۸ روز شنبه ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ با حضور دانشجویان دکتری اش تشکیل شد و همان شب بر اثر خونریزی مغزی در بیمارستان بستری گردید و عوارض ناشی از عمل های جراحی متعدد مانع از حضور دوباره وی در دانشگاه شد.

دانشگاه فردوسی مشهد را به عهده داشتند.

و غمخوار استاد بوده‌اند، در ۱۷ سال اخیر با پرستاری‌های دلسوزانه، عاشقانه و شبانه‌روزی‌شان از آقای دکتر، ثابت کردند که انسانیت، صبر و فداکاری کرانی ندارد و همراهی خواهر مهربان ایشان خانم فاطمه نشوادیان در امر پرستاری از استاد، نشان از خمیره با اصالت خاندان شریف نشوادیان دارد. فرزندان نیک استاد آقایان دکتر مازیار و سیامک پور عبدالله قبل از بیماری پدر به آمریکا مهاجرت نمودند و در غیاب ایشان، دختر یگانه استاد، خانم مهندس آزاده پور عبدالله و همسر بی‌نظیرش آقای مهندس علیرضا عابدی پشتیبان خانواده بوده‌اند.

دکتر پور عبدالله تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌اش را در زادگاهش کرمان و در سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۴۲ به انجام رساند که به نقل از دبیر ریاضی و دوست دیرینه ایشان، آقای علی مشارزاده، هوش سرشار و خصوصیات ویژه استاد از همان دوران نوجوانی رخ می‌نمود.



همسر دکتر پور عبدالله، خانم محترم نشوادیان که از سال ۱۳۴۸ همراه * دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر محمدعلی پور عبدالله نژاد

کامران شریفی *

انسانیت را پدید آورم. روحش شاد و نامش جاودان و گرامی باد.

سؤال. با عرض سلام. لطفاً در خصوص سوابق تحصیلی و علمی خودتان از قبیل سال و محل اخذ لیسانس، فوق لیسانس، دکتری، نام استادان صاحب نام، شاخه‌هایی از ریاضیات که تا کنون در آن کار کرده‌اید و نام کتب (ترجمه و تألیفی) و ... توضیح دهید.

پاسخ. در سال ۱۳۴۲ در کرمان دیپلم گرفتم و همان سال وارد رشته ریاضی دانشکده علوم دانشگاه تهران شدم. در سال ۱۳۴۵ پس از اخذ لیسانس ریاضی به سربازی رفتم و در پایان سربازی در سال ۱۳۴۷ وارد مؤسسه ریاضیات دانشگاه تربیت معلم شدم که به همت مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب و به منظور تأمین مدرس ریاضی برای دانشگاه‌ها تأسیس شده بود. در سال ۱۳۴۹ پس از پایان آن دوره به استخدام دانشگاه مشهد درآمدم و کار خودم را در گروه ریاضی این دانشگاه شروع کردم. پس از سه سال کار در سال ۱۳۵۲ با استفاده از بورس تحصیلی وزارت علوم و دانشگاه مشهد برای ادامه تحصیل عازم انگلستان شدم. ابتدا در دانشگاه نیوکاسل فوق لیسانس ریاضی گرفتم که درس‌ها و رساله‌ام بیشتر حول آنالیز تابعی متمرکز بودند.

دکتر محمدعلی پور عبدالله نژاد متولد سال ۱۳۲۳ در شهرستان کرمان هستند و از سال ۱۳۵۶ در دانشگاه فردوسی مشغول به تدریس شدند. ایشان در سال ۱۳۷۲ به درجه دانشیاری و در سال ۱۳۷۶ به درجه استادی نائل شدند. متأسفانه، ایشان در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۰ بدون هیچ زمینه قبلی دچار سکتة مغزی شدند و از آن زمان به بعد را در بیمارستان و یا منزل خود به سر بردند و یکسال بعد از این بیماری بازنشسته شدند. سرانجام، این استاد پیشکسوت دانشکده ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد، روز یکشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۶ دعوت حق را لبیک گفته و پس از ۱۷ سال تحمل بیماری، دارفانی را وداع گفت.

در آخرین سال تحصیلم در دوره کارشناسی ریاضی (سال ۱۳۷۵) در دانشگاه فردوسی مشهد مصاحبه‌ای کتبی با استاد ارجمند دکتر پورعبدالله انجام شد که محتوای آن در تابلو اعلانات انجمن ریاضی دانشجویی مورد توجه علاقه‌مندان و دانشجویان قرار گرفت. با عنایت به اینکه سخنان و نظریات استاد، حتی پس از گذشت ۲۱ سال، باز هم شامل نکات مفید برای دانشجویان و جامعه ریاضی کشور است تصمیم گرفتم تا با چاپ این نوشتار یادی از آن مرحوم نموده و اسباب آشنایی نسل جوان ریاضیات کشور با این استاد علم و ادب، صبر و

ارقامی ترجمه کرده‌ام که زیر چاپ است و امیدوارم به زودی کار چاپش به پایان برسد. به گمانم بیش از ده ترجمه یا تألیف را نیز تا کنون ویراستاری کرده‌ام. همچنین تاکنون استاد راهنمای حدود پانزده رساله کارشناسی ارشد و دو رساله دکتری بوده‌ام و هم اکنون نیز ۵ دانشجوی دکتری و سه دانشجوی کارشناسی ارشد با من کار می‌کنند.

سؤال. به نظر شما دروس مصوب در دوره کارشناسی متناسب با احتیاجات یک کارشناس ریاضی هست یا خیر؟ چنانچه کمبودی را احساس می‌کنید توضیح دهید.

پاسخ. واقعیت این است که حجم مطالبی که یک دانشجو در دوره کارشناسی می‌آموزد کم نیست و از این لحاظ دانشجوی ما نسبت به هیچ دانشجویی در سرتاسر جهان کمبود ندارد. متنها یک نکته باعث می‌شود که دانشجوی ما هنگام فراغت از تحصیل و در مقابله با مسایل علمی و صنعتی روزمره احساس ضعف کند و آن این است که به خاطر روش‌های رایج تدریس، دانشجوی ایرانی در دوره لیسانس بیش از اندازه به حافظه متکی است و مدل‌سازی ریاضی مسائل روزمره (و همچنین پژوهش ریاضی) را نیاموخته است و چون نمی‌توان حل همه مسائل را از قبل با تدریس به دانشجو یاد داد، اگر او نتواند خودش مستقلاً مسائل را حل کند دچار کمبود خواهد بود. ضرب‌المثل مشهوری است که می‌گوید اگر به کسی یک ماهی بدهی شام شبش را به او داده‌ای، ولی اگر به او ماهیگیری یاد بدهی شام هر شبش را خواهد داشت. به نظرم ما باید با تجدیدنظر در روش‌های کارمان، بیشتر به جنبه درازمدت بهره‌دهی فارغ‌التحصیلان ریاضی توجه کنیم تا اینکه صرفاً حجم معلومات و محفوظات آنها را بالا ببریم.

سؤال. نقش مدرسین ریاضی (آموزش متوسطه و عالی) در ایجاد انگیزه و پیشرفت علمی به منظور تحقیق و پژوهش را تا چه اندازه‌ای می‌دانید؟

پاسخ. دانشجو و دانش‌آموز به طور کلی تابع سیاست‌هایی هستند که مؤسسات آموزشی اعمال می‌کنند و این سیاست‌ها یا به طور نظام‌یافته یا به طور فردی از طرف معلمان و مدرسین به آنها منتقل می‌شود. به همین جهت می‌توان گفت که در این میان دانش‌آموزان و دانشجویان امکان انتخاب کمتری دارند و معلمان و مدرسین تا

در تابستان ۱۳۵۳ پس از اخذ درجه فوق لیسانس برای گرفتن دکتری به دانشگاه لیورپول رفتم و در آنجا در رشته آنالیز هارمونیک مجرد شروع به تحقیق کردم. استاد راهنمایم دکتر ویلیام مُران و موضوع کارم توابع تقریباً دوره‌ای ضعیف روی نیم‌گروه‌های تبدیلی بود. در سال ۱۳۵۶ فارغ‌التحصیل شدم و به ایران بازگشتم. این را هم بگویم که پانزده ماه آخر تحصیلم را، چون استاد راهنمایم به عنوان پروفیسور در دانشگاه آدلاید استرالیا استخدام شده بود، با او در استرالیا گذراندم و همانجا هم از رساله‌ام دفاع کردم. از سال ۱۳۵۶ نیز تا کنون، در همین جا به کار مشغول بوده‌ام.

استادانی که بیش از دیگران بر کار علمی من تأثیر داشته‌اند یکی مرحوم دکتر مصاحب بود، که از جنبه معنوی بسیار به او مدیونم و دیگری پروفیسور مُران استاد راهنمای دوره دکترایم بود که از لحاظ شیوه پژوهش در ریاضی بسیار بر من تأثیر گذاشته‌است. از لحاظ علائق ریاضی هیچگاه علاقه ثابت خاصی نداشته‌ام و تدریس یا تحقیق ممتد در یک موضوع خیلی زود حوصله‌ام را سر می‌آورده، به همین علت با شاخه‌های مختلفی از ریاضیات آشنایی نسبی پیدا کرده‌ام که از آن میان می‌توان گذشته از آنالیز هارمونیک و آنالیز تابعی که تخصص من محسوب می‌شوند، از منطق ریاضی، فلسفه و تاریخ ریاضیات، آنالیز مختلط، هندسه دیفرانسیل و نظریه احتمال نیز نام برد. در اکثر این موضوعات هم تدریس داشته‌ام. چند سال پیش یکی از دانشجویان هنگام فراغت از تحصیل در دوره لیسانس گفت که حساب کرده از حدود ۱۴۵ واحد دوره لیسانس، به گمانم ۵۲ واحدش را با من گذرانده است. البته این زمانی بود که هنوز دوره‌های فوق لیسانس و دکترای ما تأسیس نشده بودند و تمام وقت ما صرف تدریس در دوره لیسانس می‌شد. ولی حالا یکی بخاطر اشتغال در این دوره‌ها و یکی هم به خاطر اینکه تعداد همکاران در گروه ریاضی افزایش یافته است، مجبور نیستیم این قدر پراکنده درس بدهیم. ولی به هر حال آن دانشجو بعداً هم در دوره‌های دکتری و فوق لیسانس علاوه بر رساله، حدود ۶ درس دیگر را هم با من گذراند.

البته این شیوه در جهان امروز چندان پسندیده محسوب نمی‌شود و از دانشگاهیان انتظار می‌رود که تمام کوشش خود را صرف یک رشته یا یک موضوع کنند و در آن موضوع حداکثر پیشرفت را داشته باشند. ولی با همه اینها این «ولگردی علمی» برای خودم لذتبخش بوده‌است.

تاکنون ۴ کتاب ترجمه کرده‌ام، که عبارتند از روش‌های آنالیز حقیقی، با همکاری دکتر نشوادیان، شناخت عمومی علم، منطق برای ریاضیدانان و اخیراً هم کتاب نظریه اطلاع را با همکاری دکتر

فارغ‌التحصیلان ایرانی در کلیه سطوح نیز از شهرت خوبی برخوردارند و آن دانشگاه‌هایی که نسبت به دانشگاه‌های ایران شناخت دارند، دانشجویان ایرانی را به راحتی برای ادامه تحصیل می‌پذیرند. ولی به اعتقاد من این هنوز کافی نیست و ما با کوشش و صرف امکانات بیشتر می‌توانیم خیلی بیش از این درخشش داشته باشیم.

سؤال. چه پیغامی برای دانشجویان دارید؟

پاسخ. جوانان به مقتضای سن گاهی شتابزده و کم حوصله هستند، به ویژه در این روزگار که بخاطر عوض شدن اوضاع اجتماعی و اقتصادی جامعه، گاهی احساس عقب ماندن از دیگران بر آنها غالب می‌شود. این قطعاً احساس رنج‌آوری است، و اگر به طور منطقی با آن برخورد نشود می‌تواند بسیار مخرب و زیانبخش باشد. توصیه من به جوانان و به ویژه دانشجویان این است که خودشان را مجهز نگه دارند و بدانند که در نهایت توانایی‌ها و کاردانی‌های آنها است که راهگشا خواهد بود و سرانجام کسانی که در کوشش‌هایشان استمرار داشته‌اند موفق‌تر خواهند بود.

* دانشگاه صنعتی شاهرود

اندازه‌ای این توانایی را دارند که با شکل دادن به شیوه آموزش خود، بر جهت‌گیری‌های علمی و پژوهشی محیط خود تأثیر بگذارند. به همین جهت است که تأثیر آنان را نمی‌توان ناچیز شمرد، هر چند که آنها هم ناچار به پیروی از جو کلی نظام آموزشی و پژوهشی جامعه هستند. البته گاهی می‌توان استنادی مانند مرحوم مصاحب یافت که با اعمال تغییراتی در نظام می‌توانند یک تحول اساسی در ریاضیات کشور پدید آورند ولی چنین افرادی بسیار کمیابند.

سؤال. وضعیت آموزش و پرورش ریاضیات در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ جایگاه تحقیق و پژوهش ریاضی در ایران، در بین کشورهای جهان چگونه است؟

پاسخ. ایران علیرغم همه کمبودهایی که از لحاظ امکانات آموزشی و پژوهشی دارد، یکی از کشورهای مطرح در ریاضیات محسوب می‌شود و هم اکنون نیز احساس می‌شود که اگر پشتیبانی‌های مناسبی از جامعه ریاضی ایران بشود می‌تواند پیشرفت‌های بسیار چشمگیری هم در این زمینه داشته باشد. الان می‌توان گفت که ایران در چند شاخه ریاضی مثلاً آنالیز هارمونیک و تا اندازه‌ای آنالیز تابعی یکی از کشورهای قوی جهان محسوب می‌شود.

آگهی

ده سری پوستر رنگی: پنج سری به قطع ۵۸×۸۸ سانتی متر به نام‌های ابوریحان بیرونی، ابوالوفا بوزجانی، ابوعبدالله محمدبن موسی خوارزمی، غیاث‌الدین ابوالفتح عمر خیام و غیاث‌الدین جمشید کاشانی و پنج سری پوستر به قطع ۴۸×۶۸ سانتی متر به نام‌های تمدن اسلامی، دوران طلایی یونان، دوران‌های اولیه، عصر نوین و نوزائی (رنسانس)، از انتشارات ستاد ملی سال جهانی ریاضیات در دبیرخانه انجمن موجود است. بهای این ده پوستر ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال و هزینه ارسال آن‌ها ۳۰۰/۰۰۰ تعیین شده است.

این مجموعه زیبا و پرمحتوا می‌تواند زینت‌بخش کتابخانه‌ها، سالن‌ها، کلاس‌ها، اتاق‌ها و راهروهای دانشگاه‌ها، دبیرستان‌ها و مجامعی نظیر فرهنگ‌سراها و خانه‌های ریاضیات باشد.

از علاقه‌مندان، به‌ویژه مسئولان و مدیران محترم تقاضا می‌شود جهت خرید این مجموعه نفیس با دبیرخانه انجمن تماس بگیرند.

پلهایی بین ریاضیات و هنر یادنامه‌ای برای رضا سرهنگی (۱۹۵۲-۲۰۱۶)

حجت رستمی*

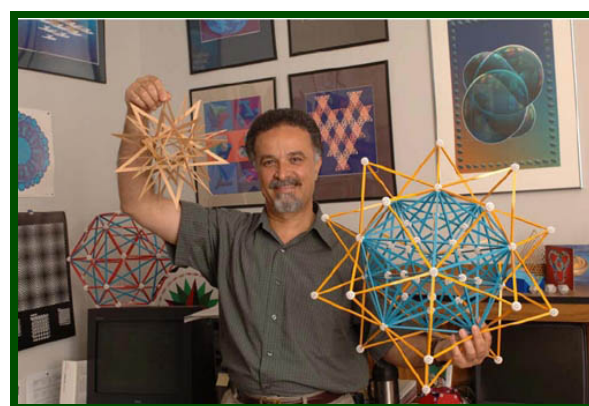
اشاره.

رضا سرهنگی ریاضیدان - هنرمند ایرانی مقیم آمریکا در سال ۲۰۱۶ در آمریکا در گذشت حال آنکه بنیانگذار خدمات علمی هنری بسیاری به جامعه جهانی ریاضیات بود. این نوشته یادنامه‌ای برای او و گزارش اجمالی برخی از خدمات هنری - ریاضی وی است.

دوران تحصیل و تدریس

رضا سرهنگی پس از دریافت مدرک کارشناسی ریاضی خود علاوه بر تدریس در مدرسه در دانشگاه نیز به آموزش ریاضی اشتغال ورزید. زمینه‌های مورد علاقه کاری او تکنولوژی آموزش ریاضی، نظریه کنترل، آنالیز تابعی و رابطه هنر و ریاضی بود. سرهنگی پیش از آنکه در سال ۱۹۸۶ ایران را به مقصد آمریکا ترک کند ریاضی و تئاتر تدریس می‌کرد و در کنار این‌ها به نمایشنامه‌نویسی، کارگردانی تئاتر و طراحی صحنه اشتغال داشت. او دکترای ریاضی کاربردی خود در حوزه نظریه کنترل را در سال ۱۹۹۴ و تحت نظارت اچ. دبلیو وانگ (H. W. Wang) از دانشگاه ایالتی ویجیتا (Wichita State University) در کانزاس دریافت کرد. ابتدا در دانشگاه سوئوسترن (Southwestern) به تدریس ریاضی مشغول شد و بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۰ و پیش از پیوستن به تاونسون (Towson) رئیس دانشکده ریاضیات این دانشگاه بود. او کمی پیش از عزیمت به دانشگاه تاونسون، در ۱۹۹۸ کنفرانس پیوندهای ریاضی در هنر، موسیقی و علم، بریجز (Bridges)، را بنیان نهاده بود که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم. در سال ۱۹۹۶ - ۱۹۹۷ برنامه‌ای در زمینه کاربرد فناوری در مطالعات ریاضی تنظیم کرد که جزو بیست برنامه نوآورانه با استفاده از فناوری شد. این برنامه برای استفاده در آموزش ریاضی به رسمیت شناخته شد و توسط پروژه انبرگ سی‌پی‌بی (Annenberg CPB)، بنیاد علوم (National Science Foundation) و دانشگاه مرکزی میشیگان (Central Michigan University) پشتیبانی شد. در سال ۱۹۹۷ او با کمک جمعی از دانشجویانش نمایشنامه‌ای با نام معجزه در ایستگاه اتوبوس شماره ۱۳ نوشت و در وینفیلد کانزاس به روی صحنه برد. او مقالات متعددی در حوزه‌های مختلف ریاضی و طراحی تألیف کرد. او کتابی نیز در زمینه هندسه دانشگاهی با نام **مبانی هندسه برای معلمان** نوشت که در سال ۲۰۰۸ توسط انتشارات پیرسون منتشر شد ([۹]).

رضا سرهنگی در سال‌های اخیر خود را وقف مطالعه دستنویس خطی **ابولوفاء بوزجانی** کرده بود. بوزجانی این کتاب را در زمینه هندسه و به فارسی برای صنعتگران نگاشته است. او بسیاری از



مقدمه

عالم ریاضیات، هیچگاه از ریاضیدان هنرمند یا هنرمند ریاضیدان خالی نبوده است. در ریاضی از چنین افرادی معمولاً با القابی چون ریاضیدان شاعر، ریاضیدان نقاش، ریاضیدان نویسنده و نظیر این یاد می‌شود. حال آن که اینان در آنسوی این وادی شاعر ریاضیدان، نقاش ریاضیدان و نویسنده ریاضیدان هستند. خیام یک نمونه بسیار مشهور از این جمع است. او نزد بسیاری از اهالی ادب شاعری است که ریاضیات را به کمال می‌دانست و در گستره ریاضیات، ریاضیدانی است که شعرش سر بر سایه‌سار ادب می‌ساید. دیگرانی چون آلبرشت دُرر^۱، داوینچی، دُزارگ، دیودر، ابوریحان و ... نیز بوده‌اند که گاهی وجه هنری‌شان بر چهره ریاضی‌شان غلبه داشته و گاهی بر عکس. ریاضیات و هنر از نظر محتوا و شکل بسیار متفاوت به نظر می‌آیند، اما شاید این قضاوت درستی نباشد و ریاضیدانان و هنرمندان یاد شده گواهی بر صحت تأمل در این تردیدند. **رضا سرهنگی** یکی از کسانی بود که عمر نسبتاً کوتاه خود را برای این تأمل ارزنده صرف کرد. یادنامه پیش رو گزارشی از سرگذشت موفق این تأمل در طی زندگی یک ریاضیدان ایرانی آمریکایی است.

^۱Dürer Albrecht

به هنر ایران و اشتغال او به برخی از این هنرها را نیز افزود.
با بررسی آثار سرهنگی درستی این مدعا بیشتر تأیید می‌شود. از جمله او در مقاله کوتاهی درباره هنر ایرانی [۱۳] نوشته است:
از زمان شکل‌گیری نخستین مفاهیم علمی ستاره‌شناسی، اندازه‌گیری حدود کروی و تعیین سال جدید مطابق با اعتدال بهاری، هنر ایرانی در عرصه ریاضیات اشکال، اعداد و جامدات نقش ایفاء کرده است. هنرمندان ایرانی مهارت‌های نظری ریاضی و تکنیک‌های عملی، نظیر سرامیک سازی را به همراه ایده‌های هنرمندانه‌ای که از تاریخ خود و مناطق دیگر جهان اقتباس کرده بودند با هم ترکیب کرده، فرم‌های جذاب بسیاری به وجود آوردند که ریاضیات و هنر را به هم پیوند زد.

در کنار این‌ها او یک آموزشگر ریاضی نیز بود. بنابراین جامعه‌ای که بتواند همزمان همه این علایق را پوشش داده، زیر یک سقف گرد آورد لازم می‌نموده است و بریجز حاصل این اندیشه است.

در سال ۱۹۹۰ کالج سوئوسترین برنامه مطالعاتی جامعی را برای تجمیع برنامه‌های مختلف خود به وجود آورد. مدیر این برنامه دانیل اف دانیل (Daniel F. Daniel) دوست نزدیک سرهنگی بود. او به سرهنگی پیشنهاد داد تا یک دوره تحصیلی برای این برنامه طراحی نماید. آنچه سرهنگی خلق کرد برنامه‌ای متشکل از هنر و ریاضی بود. این برنامه در میان دانشجویان کالج بسیار شهرت یافت. علاوه بر این سرهنگی از شرکت‌کنندگان پروپاقرص کنفرانس ریاضی و هنر (AM) بود. این کنفرانس که از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ در دانشگاه ایالتی نیویورک در آلبانی برگزار می‌شد، حوزه‌های مختلفی از علوم از جمله معماری و برنامه‌نویسی رایانه را پوشش می‌داد. شرکت‌کنندگان این حوزه‌ها باید آثاری را ارسال می‌کردند که از ریاضیات به صورت خلاقانه در انجام و تولید آنها استفاده شده بود. نویسنده مقاله [۴] معتقد است که با کمی مبالغه می‌توان گفت که سرهنگی در این کنفرانس‌ها شاهد دوباره‌ی پارادایم دوران ابولوفا بوزجانی شد که دیرزمانی بود به فراموشی سپرده شده بود. او شاهد این بود که چگونه در این گفتگوی میان ریاضیات که نظریه‌های پیچیده‌ترین مسائل معماری و هنری را بوجود می‌آورد و حوزه‌هایی که آن را در عمل به کار می‌گیرند قالب جدیدی از هنر در حال شکل‌گیری است. چند سال بعد سه تن از چهار مدیر بریجز از شرکت‌کنندگان ثابت قدم AM بودند.

با جریان بر آمده از بریجز، انجمن ریاضی آمریکا AMA کمیته ریاضی و هنر خود را تشکیل داد. اعضای این کمیته متشکل از اعضا و شرکت‌کنندگان بریجز و بالغ بر ۲۰۰ نفر است.

مسائل طرح شده توسط بوزجانی را حل کرده و با تصحیحاتی، آنها را با زبان روز علمی تطبیق داده بود و ظاهراً آماده انتشار بوده است ([۲]). او پیش از آن مقاله‌هایی با مضمون مطالعه آثار بوزجانی نوشته بود (برای نمونه مقاله [۱۰] که در شماره ویژه‌ای از مجله مطالعات ایرانی (Iranian Studies) منتشر شد). سرهنگی با الهام از هنر اصیل ایرانی، طرح‌هایی در زمینه کاشی و سرامیک عرضه کرد. او در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶ دو دوره سردبیر مهمان مجله شبکه نتورکس (Nexus Networks) بود. حاصل این همکاری‌ها شماره‌های ویژه‌ای از این مجله بود که با عناوین ریاضیات و معماری ایرانی و عناصر معماری ایرانی و طراحی منتشر شد ([۱۱] و [۱۲]).

رضا سرهنگی که مدت‌ها از بیماری قلبی رنج می‌برد در اول ژوئیه ۲۰۱۶ (۱۱ تیر ۱۳۹۵) چشم از جهان فرو بست. برای بزرگداشت یاد و خاطره‌اش یادنامه‌های مختلفی منتشر شد که از مهمترین آن‌ها می‌توان به ویژه‌نامه مجله ریاضیات و هنر وابسته به موسسه تیلور و فرانسیس (شماره ۱۲ (۲-۳)، ۲۰۱۸)، کتاب [۵] و یادنامه‌ای به زبان فارسی که در مجله میراث علمی ایران و اسلام انتشار یافت، اشاره کرد [۱]. همچنین خبرنامه جامعه ریاضی آمریکا AMS مطلبی با عنوان گزارش بریجز - به یاد بنیانگذارمان رضا سرهنگی منتشر کرد ([۱۴]).

همایش پل‌ها

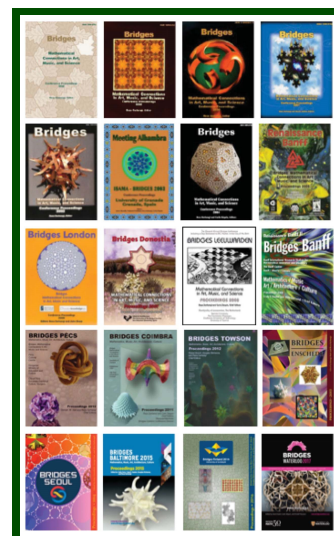
رضا سرهنگی در سال ۱۹۹۸ همایش پل‌ها یا همان بریجز را بنیان گذاشت. اولین دوره‌های آن در کالج سوئوسترین برگزار شد و بعد از آن در کشورهای انگلستان، اسپانیا، مجارستان، پرتغال، هلند، کره جنوبی و در سال ۲۰۱۶ در فنلاند برگزار شد که با فوت سرهنگی این کنفرانس به بزرگداشت او اختصاص یافت. در ۲۰۱۷ این کنفرانس در واترلو کانادا و در ۲۰۱۸ در استکهلم سوئد برگزار شد. قرار است بریجز ۲۰۱۹ در دانشگاه یوهان کپلر در اتریش برگزار شود. در کنار همایش بریجز، برگزار کنندگان آن همایش دیگری به نام موزاییک (Mo-SAIC) را که به مراتب کوچک‌تر است، با هدف آشنا کردن علاقه‌مندان جوان و دانشجویان با پیوندهای بین ریاضی، علم، هنر، صنعت و فرهنگ، در دانشگاه‌ها و مراکز علمی آمریکا برگزار می‌کنند ([۴]). دلایل متعددی در چگونگی شکل‌گیری ایده اولیه چنین همایش‌هایی نقل شده و می‌شود. به باور کریستف فنیوسی Kristof Fenyvesi منشاء ایده برگزاری چنین کنفرانس‌هایی را باید در سابقه کاری سرهنگی و علایق او جستجو کرد. سرهنگی به عنوان ریاضیدان علایق گوناگونی داشت. او شیفته تاریخ ریاضیات ایران و از جمله کارهای بوزجانی بود [۴]. به این شیفتگی می‌توان علاقمندی

برخی بر این باورند که بریجز به انتقال مفاهیم ریاضیات به حوزه هنر و بر عکس کمک کرده است. آنان بریجز را یکی از هسته‌های اصلی آموزش علوم، تکنولوژی، مهندسی و ریاضیات (STEM) می‌دانند و معتقدند سال‌ها پیش از اینکه سرواژه STEM توسط کریستنسن (Cristensen) ابداع و رایج شود بریجز آن را عمومی کرده بود ([۴]). در واقع بریجز را می‌توان حامی مهم جنبش STEAM دانست. سرهنگی در ستایش این رویکرد می‌گوید:

توسعه ایده‌های نوآورانه با استفاده از هنر و تکنولوژی، برای آموزش ریاضیات و علوم بسیار مهم است و باید در کلاس‌های قرن بیست و یکم از آن استقبال کرد [۱۵]. بریجز منشاء و الهام‌بخش ابتکارات زیادی شمرده می‌شود. مجله ریاضیات و هنر (Journal of Mathematics and Arts) که توسط انتشارات معتبر تیلور و فرانسیس انتشار می‌یابد یکی از آنان است و از قرار معلوم سرهنگی در بنیان آن نقش تعیین‌کننده‌ای ایفاء کرده بود ([۲]). رویکرد این مجله در شکل‌گیری برخی دیگر از مجلات، که با بهره گرفتن از جنبه‌های تفنی و هنری ریاضی یا کارکردهای اجتماعی آن، سعی در عمومی‌سازی ریاضی و یا کمک به ارتباطات مؤثر بین رشته‌ای دارند، محتمل است. بریجز همچنین الهام‌بخش برخی از انجمن‌های علمی و سایت‌های اینترنتی بوده است که از رویکرد مشابهی پیروی می‌کنند. به عنوان یک نمونه موفق می‌توان از انجمن فورمولاس (formulas) نام برد که از ریاضیدانان و معماران تشکیل شده و در دانشکده معماری دانشگاه روما تره (Roma Tre University) قرار دارد ([۶]). پائولا ماگرونه (Paola Magrone) از اعضای این دانشگاه حضور سرهنگی در آنجا و برگزاری کارگاه‌های هنری از جمله موزاییک‌کاری را الهام‌بخش دانشجویان و اعضای علمی دانشگاه رم می‌داند. این گروه در سال ۲۰۱۶ اولین روز جهانی موزاییک‌کاری را به مناسبت روز تولد اثر برگزار کرد ([۶]). در صفحاتی که در وب به مناسبت درگذشت او به راه افتاد، بسیاری از هنرمندان و اهالی ریاضی به نقش مهم و پررنگ رضا سرهنگی در توسعه علم و هنر در شروع قرن حاضر اشاره کرده‌اند. برخی نیز به تأثیرپذیری بسیار زیاد خود از او در تولید خلاقانه آثارشان اذعان کرده‌اند. آنان بریجز را بزرگترین میراث سرهنگی دانسته و معتقدند که با ادامه حیات بریجز تأثیر او نیز در حوزه‌های بین‌رشته‌ای هنر و علم ادامه خواهد داشت ([۷]).

کلام آخر

اگر یکی از وظایف مهم یک ریاضیدان را کشف زیبایی‌های نهفته در بطن ریاضی و معرفی آن‌ها بدانیم، رضا سرهنگی به خوبی از عهده آن برآمد. او تأثیر غیرقابل انکاری در معرفی برخی وجوه زیبای ریاضی و



نخستین همایش بریجز با تعداد کمتر از ۶۰ نفر برگزار شد اما در حال حاضر تعداد شرکت‌کنندگان آن به بیش از ۳۰۰ نفر می‌رسد. این کنفرانس طیف‌های وسیعی از شرکت‌کنندگان از حوزه‌های مختلف را در بر می‌گیرد. علاوه بر ریاضیدانان و کارشناسان حوزه هنر، نقاشان، معلمان ریاضی و هنر، موسیقیدانان، معماران، محققان حوزه ادبیات، برنامه‌نویسان حوزه رایانه، مجسمه‌سازان و سازندگان مدل نیز در آن شرکت می‌کنند. هر همایش، انعکاس دهنده جنبه‌های مختلف زیادی است. این کنفرانس پلتفرمی در اختیار محققان، کارشناسان و هنرمندان که خواهان شکستن مرزها و تبادل تجارب هستند قرار می‌دهد. به معلمان یاری می‌رساند تا به بهره‌گیری از هنر به انتقال خلاقانه مفاهیم ریاضی بپردازند و هنرمند را در خلق آثار هنری که این مفاهیم بتواند در آنها جلوه‌گری نماید یاری می‌رساند. در این کنفرانس در نحوه ارائه آثار محدودیتی وجود ندارد و آنها ملزم به پیروی از سبکی کاغذی نیستند. در بریجز علاوه بر سخنرانی‌های رسمی و اجرای تئاتر، برنامه‌های دیگری نظیر نمایشگاه بین‌المللی هنر ریاضی، شبی با موسیقی و یک سری کارگاه‌های هنر و ریاضی که توسط معلمان و برای معلمان برگزار می‌شود گنجانده شده است ([۶]).



Basel, 2017

[6] <http://www.formulas.it>

[7] 55 thoughts on Experience Workshop is mourning for Prof. Reza Sarhangi, Retrived from <http://www.elmenymuhely.hu/?p=3789>, 2016/07/03.

[8] The Bridges Organization. Available at: <http://bridgesmathart.org>.

[9] Reza Sarhangi, Elements of Geometry for Teachers, Pearson, 2008.

[10] Reza Sarhangi, Illustrating Abu al-Wafa Buzjani: Flat Images, Spherical Constructions, Iranian Studies, 41(4)(2008).

[11] Reza Sarhangi (ed.), Persian Architecture and Mathematics. NexusNetw. J. (Special Issue) 14 (2012).

[12] Reza Sarhangi (ed.), Persian Architectural Elements and Design. Nexus Netw. J. (Special Issue) 18 (2016).

[13] Reza Sarhangi, Persian Arts: A Brief Study, Bridges: Mathematical Connections in Art, Music, and Science (2000).

[14] Carlo H. Sequin, Report on Bridges 2016—In Memory of Our Founder, Reza Sarhangi (1952–2016), Notices of the AMS, 64(2), 152-155.

[15] S. Shrestha, In memoriam, Reza Sarhangi, J. Math. Arts 10 (2016), pp. 1–3. doi:10.1080/17513472.2016.1265910.

[16] Eleanor Robson and Jacqueline Stedall, The Oxford Handbook of the History of Mathematics, oxford university press, London, 2009.

پیوندهای زیباشناسانه آن با دیگر حوزه‌های فکری بشر و بخصوص هنر داشت.



جریانی که او ایجاد کرد به گرایش بیش از پیش محققان حوزه‌های فکری مختلف به مطالعه جنبه‌های هندسی هنر و معماری ایرانی کمک کرد. نشانه‌های این تأثیر به خوبی در بسیاری از انواع آثاری که در دو دهه اخیر در حوزه‌های مرتبط با هنر و ریاضی تولید شده است، قابل مشاهده است (یک نمونه عالی از این دست، کتاب جامع «راهنمای تاریخ ریاضیات آکسفورد» است [۱۶]).

مراجع

[۱] بهروز ذبیحیان، یادی از رضا سرهنگی، پژوهشگر هنر اسلامی در نقوش هندسی، میراث علمی ایران و اسلام، سال پنجم، شماره اول (پیاپی ۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۵.

[2] Carol Bier, Intersectionality in mathematics and the arts: honouring the memory of Reza Sarhangi(1952–2016), J. Math. Arts, 12(2018):2-3, 59-64.

[3] Sarah Glaz Two bridges: in memory of Reza Sarhangi, J. Math. Arts, 12(2018):2-3, 195-195.

[4] Kristof Fenyvesi, Bridges: A World Community for Mathematical Art, the Mathematical Intelligencer, 2016, 38.2: 35-45.

[5] Kristof Fenyvesi and Tuuli Lähdesmäki, Aesthetics of Interdisciplinarity: Art and Mathematics, Birkhäuser,

* آموزش و پرورش استان زنجان، پژوهشگاه ملاصدرا

یادنامه منصوره بلباسی

(۱۳۶۳-۱۳۹۵)

مژگان امامی*

پرواز را به خاطر بسپار
پرنده رفتنی است

کارشناسی خود را به خوبی و با شایستگی گذراند، با امتیاز آیین نامه «استعدادهای درخشان» بدون آزمون، وارد دوره کارشناسی ارشد ریاضی شد و رساله خوبی در گرایش آنالیز غیرخطی نوشت. پس از آن در حدود ۵ سال به صورت مدعو، همکاری موفق با گروه ریاضی داشت و درس‌های متعددی را با اعتقاد و علاقه وافر به کارش به خوبی برگزار کرد و مدرس مقبول و وظیفه‌شناس بود.



یادش گرامی باد، «منصوره بلباسی» دانش‌آموخته کارشناسی (۱۳۸۷) و کارشناسی ارشد ریاضی (۱۳۸۹) دانشگاه زنجان بعد از قریب ۵ سال همکاری موفق با دانشگاه به عنوان مدرس مدعو، در مهرماه ۱۳۹۵، در یک غروب نابهنگام از میان ما رفت، واقعه‌ای که بخش‌های ریاضی، فیزیک و بسیاری از دانشجویان دانشگاه را عمیقاً اندوهگین و متأثر کرد.

منصوره بلباسی را دست سهو و تقصیری در معالجه و درمان، از میان ما برد و به وقت رفتن به خواسته و رضایت خود (با گرفتن کارت اهدای عضو)، چون فرشته نجاتی، چند نفر را با اهدای عضو، جان دوباره بخشید و در این آخرین قاب تصویر، ماندگارترین خاطره انسانی و اخلاقی خود را به یادگار گذارد. خدایش رحمت کند و یادش گرامی.

داستان رفتن، همیشه سخت و تلخ و طاقت سوزاست به ویژه اگر رهرو آن جوانی در کانون بسیاری از امیدها و آرزوهای بلند باشد، امیدها و آرزوهای ذیحقی به سهم خودش، خانواده و خویشاوندانش، دوستان و هم‌قطاران و هم‌نسلانش، آموزگاران و معلمان و استادانش و در نهایت امیدها و آرزوهای بلند همه کسانی که در آینده شکوفای هر جوانی، شکوفایی آینده همه را می‌بینند.

منصوره بلباسی نهال اصیل و سرزنده و آینده‌داری بود که در بخش ریاضی دانشگاه زنجان به خوبی روید و پرورش یافت. دوره

* دانشگاه زنجان

زندگینامه کوتاه پروفیسور لطفی علی عسکرزاده پدر منطق فازی

۱۳۹۶-۱۲۹۹؛ ۲۰۱۷-۱۹۲۱

سید محمود طاهری *

این است که: «ریاضیات کلاسیک، که مبتنی بر منطق دو ارزشی (صفر و یک) است، برای تحلیل‌های علمی کفایت نمی‌کند. بسیاری از مفاهیم و پدیده‌های دنیای واقعی، مبهم و نادقیق هستند، و لذا ما نیازمند یک ریاضیات هستیم که جهان را سیاه و سفید (صفر و یک) نبینیم، بلکه بتوانیم پدیده‌ها و مفاهیم نادقیق را مدل‌سازی نموده و از آنها در تحلیل‌های ریاضی و مهندسی و استنتاج‌های علمی و تصمیم‌گیری استفاده کنیم». زاده، در سال‌های بعد به تکمیل نظریه خود پرداخت و ساختارها و مفاهیم اصلی منطق فازی و به‌ویژه روش نوینی از استدلال موسوم به استدلال تقریبی (Approximate Reasoning) را پایه‌گذاری کرد. امروز اساس بسیاری از سیستم‌ها و کنترل‌کننده‌های هوشمند، قواعد فازی و استدلال تقریبی است. ده‌ها سال است که محصولات جدید تکنولوژی، از ماشین لباسشویی، دوربین و پلویز تا بالگرد و قطار، که کنترل آنها مبتنی بر منطق فازی است، به بازار آمده است. منطق فازی هم اکنون توسط شرکت‌های بزرگ مانند میتسوبیشی، سونی، کانن، توشیبا، جنرال الکتریک، جنرال موتورز، کداک و هوندا استفاده می‌شود و سودآوری بسیاری داشته است. کنترل بهینه، کنترل هموار و صرفه جویی در انرژی از مزیت‌های کنترل‌گرهای فازی است.

از سوی دیگر، ریاضیات و منطق فازی در علوم انسانی نیز کاربردهای فراوان یافته است. نکته این است که در علوم انسانی مانند روانشناسی و جامعه‌شناسی و مدیریت، بیشتر مفاهیم نادقیق هستند، مانند: کودکان بیش فعال، جوانان مذهبی، جوامع توسعه یافته، مدیران موفق، رضایت شغلی، زوج‌های با سازگاری نسبتاً خوب و پروفیسور زاده بیان می‌کند که برای مدل‌سازی و تحلیل رفتارهای فردی و اجتماعی و سازمانی، منطق دو دویی کلاسیک پاسخگو نیست، بلکه نیازمند یک ریاضیات و منطق جدید هستیم که توانایی و ابزار لازم برای کار با مفاهیم مبهم و استدلال نادقیق داشته باشد. به سخن دیگر، نظریه فازی، نظریه‌ای است که برای اقدام در شرایط نایقینی و عدم اطمینان (Uncertainty) مناسب است.

گفته می‌شود یکی از دلایل موفقیت زاده، ریشه‌های چندملیتی وی بوده است. وی ده سال نخست زندگی را (با پدری ایرانی و مادری



پروفیسور لطفی علی عسکرزاده (Lotfi Aliasker Zadeh) (نامدار به پروفیسور زاده)، پدر منطق فازی، در سال ۱۲۹۹ ه.ش. (برابر ۱۹۲۱ م) در شهر باکو به دنیا آمد. پدر وی، میرزا رحیم، اهل اردبیل بود و مادر وی، فائقه، تبار روسی/آذری داشت. میرزا رحیم به همراه خانواده‌اش در سال ۱۳۰۹ به ایران بازمی‌گردد. لطفی که آن موقع ده ساله بود، تحصیلات ابتدایی را در تهران دنبال می‌کند. وی تحصیلات دوره دوم متوسطه را در دبیرستان (کالج) البرز تهران طی می‌کند و در سال ۱۳۱۷ دیپلم خود را اخذ می‌نماید. در همان سال وارد دانشگاه تهران می‌شود و در سال ۱۳۲۱ از دانشکده فنی دانشگاه تهران (رشته مهندسی برق) فارغ‌التحصیل می‌شود. وی سپس به امریکا عزیمت می‌کند. در سال ۱۳۲۵ (برابر ۱۹۴۶ م) کارشناسی ارشد مهندسی برق را در انستیتو تکنولوژی ماساچوست (MIT) به پایان می‌رساند. در همان سال وارد دوره دکترا در دانشگاه کلمبیا (نیویورک) می‌شود و در سال ۱۳۲۸ ضمن اتمام دوره دکترا، با درجه استادیاری در دانشگاه کلمبیا آغاز به کار می‌کند. در طول سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۸ نظریه‌های بدیعی در حوزه‌هایی مانند نظریه سیستم‌ها، نظریه مخابرات و نظریه کنترل مطرح می‌نماید و مقالات متعدد علمی در این زمینه‌ها چاپ می‌کند. در سال ۱۳۳۸ (۱۹۵۹ م)، وی به دانشگاه کالیفرنیا (برکلی) منتقل می‌شود و از همان سال تا سال ۱۳۴۷ رئیس گروه مهندسی برق دانشگاه کالیفرنیا (برکلی) می‌شود.

در سال ۱۳۴۴ (۱۹۶۵ م) مقاله‌ای بنیادین و بسیار تأثیرگذار با عنوان «مجموعه‌های فازی» (Fuzzy Sets) منتشر می‌کند. فازی به معنای مبهم، نادقیق، ناروشن و غیرواضح است. جان کلام مقاله

برگزار نموده‌اند. افزون اینک، مجله پژوهشی انجمن سیستم‌های فازی ایران با عنوان Iranian Journal of Fuzzy Systems (مجله ایرانی سیستم‌های فازی) پانزده سال است که به طور منظم منتشر می‌شود و در فهرست‌های معتبر مانند ISI و SCOPUS نمایه می‌گردد. انجمن سیستم‌های هوشمند ایران نیز مجله پژوهشی با عنوان Journal of Intelligent and Cognitive Computing (مجله محاسبات هوشمند و شناختی) راه‌اندازی نموده است که بزودی نخستین شماره آن منتشر خواهد شد. البته، در زمینه کاربرد سیستم‌های فازی در ایران فاصله زیاد با سطح مطلوب داریم. افزون اینک، متأسفانه این نظریه به‌طور شایسته، دقیق و رسا به جامعه معرفی نشده است. بیشتر مجامع علمی و دانشگاهی علوم انسانی در ایران با این نظریه و توانایی‌های آن آشنا نیستند. هنوز رسانه‌ها، به‌طور شایسته به معرفی پروفیسور زاده که دانشمندی ایرانی تبار است نپرداخته‌اند. هنوز هیچ خیابان یا میدان، کتابخانه یا مرکز پژوهشی به نام این دانشمند نامگذاری نشده است. همچنین بجاست صدا و سیما با برنامه‌های علمی-ترویجی در معرفی نظریه فازی و کاربردهای آن و معرفی مبدع ایرانی تبار این نظریه گام بردارد.

در پایان اشاره می‌کنیم که پروفیسور زاده افزون بر ابداع و معرفی ریاضیات و منطق فازی، چندین نظریه علمی دیگر معرفی نموده است که هر یک از آنها، یک شاخه علمی نوین شده و از جنبه‌های نظری و کاربردی گسترش یافته است. مهم‌ترین این نظریه‌ها عبارتند از: نظریه امکان (Possibility Theory)، نظریه محاسبات نرم (Soft Computing) نظریه استدلال احتمالاتی ادراک - محور (Perception-Based Theory of Probabilistic Reasoning) نظریه محاسبه با واژه‌ها به جای محاسبه مبتنی بر اعداد (From Computing with Numbers to Computing with Words) پروفیسور زاده تا هنگامی که زنده بود، فعالیت علمی مؤثر داشت. وی در سال ۱۳۹۱ که ۹۲ ساله بود، کتابی با عنوان «محاسبات با واژه‌ها: مفاهیم و ایده‌های اصلی» منتشر نمود و در سال‌های اخیر نیز همچنان به تألیف مقاله اشتغال داشت و در نشست‌های علمی شرکت می‌کرد. پروفیسور لطفی علی عسکرزاده در ۱۵ شهریور ۱۳۹۶ درگذشت.

روسی/آذری) در آذربایجان (شوروی سابق) گذراند. دوران نوجوانی و بخشی از جوانی را در ایران، و دوران کاری را در امریکا. خود می‌گوید که فرهنگ‌های چهارگانه ایرانی/روسی/آذری/امریکایی در دانش و تفکر وی تأثیر داشته است. این ادعا در مجامع علمی مشهور شده است که تفکر شرقی (تفکر منعطف، سازگار و خاکستری، در برابر تفکر شکننده و دو دویی ارسطویی غربی) در ابداع نظریه فازی چیره بوده است.

گفتنی است، پروفیسور زاده، استاد راهنمای حدود پنجاه دانشجوی دکترا بوده است که از جمله بجاست به مرحوم دکتر ولی ... طحانی (استاد دانشگاه صنعتی اصفهان) اشاره نمود. به دلیل تلاش‌های پروفیسور زاده در گسترش و تعمیق علم و فناوری، حدود سی دانشگاه معتبر به وی دکترای افتخاری داده‌اند. از جمله دانشگاه تهران، در اسفند ۱۳۹۴ ضمن برگزاری کنگره بزرگداشت پروفیسور زاده، دکترای افتخاری این دانشگاه را به وی، که از نخستین دانش‌آموختگان این دانشگاه در حوزه فنی-مهندسی بوده است، اعطا نمود. پروفیسور زاده، به‌خاطر دستاوردهای علمی و فناورانه، مفتخر به دریافت چندین جایزه و نشان علمی شده است از جمله: جایزه اوکاوا (ژاپن)، جایزه هوندا (ژاپن)، نشان همینگ IEEE، نشان افتخار IEEE، جایزه بنیامین فرانکلین، جایزه بنیاد پیشبرد مرزهای دانش (اروپا).

شایان یادآوری است که، خوشبختانه، نظریه فازی (از هر دو جنبه نظری و کاربردی) در بین پژوهشگران ایرانی گسترش بسیاری یافته است. به جز پژوهشگران ایرانی مقیم خارج، هم اکنون صدها پژوهشگر در ایران در حال تحقیق در زمینه‌های مختلف این علم هستند. تاکنون چندین کتاب به زبان فارسی در نظریه و کاربردهای ریاضیات و منطق فازی نگاشته شده و چند کتاب نیز ترجمه شده است. تولیدات علمی پژوهشگران ایرانی در زمینه سیستم‌های فازی گسترش بسیار یافته طوری که در بین کشورهای جهان، در سال گذشته، از لحاظ کمی، رتبه چهارم را دارا بودیم. همچنین، در سال ۱۳۸۶ انجمن سیستم‌های فازی ایران و انجمن سیستم‌های هوشمند ایران، با هدف معرفی و گسترش سیستم‌های فازی و هوشمند تأسیس شدند.

این دو انجمن تاکنون حدود بیست و پنج کنفرانس یا سمینار علمی و ده‌ها کارگاه تخصصی در زمینه سیستم‌های فازی و هوشمند

* دانشگاه تهران (دانشکده فنی)
sm_taheri@ut.ac.ir